

مقدمه‌ی مؤلف

سلام همراهان خستگی‌ناپذیر من! شما که در مسیر نفس‌گیر پیش‌رویتان هم‌چنان پابرجا و پرنفس باقی‌مانده‌اید و هر روز لبریزتر می‌شوید از آرزوی پریدن از قفس. همچو آن دو لاله‌ی وحشی که در دو سوی یک چتر روییده‌اند و به هم عاشق و شیدا هستند و می‌دانند که باید بیالند تا بالای چپر، که آسمان بالای چپر آزاد است!

برای شما نیز تا آبی آزاد فراز قله، چند گامی بیش‌تر نمانده‌است؛ پس تاب بیاورید و نفس کم نیاورید که من نیز به هوس هم‌قدمی با شما بازهم قلمی یافته‌ام و صفحه‌ی کاغذی و ...

در آغاز می‌خواهیم کتاب‌های ادبیات را با شما ورقی بزنیم تا مفاهیم مهم بیت‌ها و عبارت‌ها را دوره‌کنیم. کتاب، کتاب همایش است و از آزادی و آرامش حکم‌فرما بر گشت‌وگذار پررنگ‌ونگارمان در کتاب تناسب مفهومی^۱ خیری نیست. گذاری‌ست پرشتاب اما دقیق و کارساز.

در ادامه هم به سراغ تاریخ ادبیات می‌رویم و مفاهیم پیچیده‌ی «درآمدها»، نکته‌های پنهان در «مقدمه‌ی درس‌ها» و «فرهنگ‌های اعلام» را بررسی می‌کنیم و تأکید اصلی‌مان بر **ارتباط‌ها، همانندی‌ها و دام‌هایی** است که احتمال دارد از چشم شما دور مانده‌باشد.

البته مطمئنم که شما مطالعه‌ی تاریخ ادبیات را پیش از این آغاز کرده‌اید (درباره‌ی روش درست به‌خاطر سپردن تاریخ ادبیات، در مقدمه‌ی فصل دوم این کتاب توضیح داده‌ام. اگر لازم است همین حالا به آن‌جا رجوع کنید). پس ما در فصل دوم این کتاب به دنبال روشن کردن مفاهیم و نکات مبهم و کشف نکته‌ها و دام‌هایی خواهیم‌بود که معمولاً از چشم دیگر دانش‌آموزان پنهان می‌مانند، تا شما سر جلسه‌ی کنکور غافل‌گیر نشوید و با دیدن این نکته‌ها، لبخندی غرورآمیز بر لب بیاورید و هنگام پر کردن جواب درست در پاسخ‌نامه، این بیت حافظ را نیز در دل بخوانید که:

«برو این دام بر مرغی دگر نه / که عنقا را بلند است آشیانه»

از دوست خوب نشر دریافت آقای مهندس مجید اسمعیلی زارع که برای آماده‌شدن به‌موقع این کتاب از هیچ تلاشی دریغ نکرد، صمیمانه سپاس گزارم.

و از شما به دلیل برخوردن به اشتباهات تایپی (یا لپی) احتمالی که ناگزیر چنین سرعت بالایی‌ست پیشاپیش پوزش می‌خواهم. امیدوارم که بعد از آزمون، برای اصلاح این اشکال‌های احتمالی به ما کمک برسانید.^۲

پیروز باشید!

۱- که فصل اول آن، تنها منبع موجود در میان کتاب‌های آموزشی و عمومی است که خواندن بیت‌ها را آموزش می‌دهد و مطمئناً بدون دانستن فوت و فن خواندن بیت‌ها، معناکردن و رسیدن به مفهوم آن‌ها کار دشواری است.

۲- مانند خانم «مهتاب مرادی» که با خود قرار گذاشتند (نذر کردند) اگر در آزمون سراسری رتبه‌ی خوبی بیاورند، این کتاب را غلط‌گیری کنند که این‌گونه هم شد! و خانم عارفه گل‌پور که برای به‌خاطر سپردن نام آثار برخی شاعران و نویسندگان راه‌های جالبی به شما پیشنهاد کرده‌اند که در فصل آخر این کتاب با آن‌ها روبه‌رو خواهید‌شد.

فهرست

فصل اول: تناسب مفهومی (قرابت معنایی)

- بخش اول: مفهومی‌های مهم ادبی در کتاب سال چهارم دبیرستان ۱
- بخش دوم: مفهومی‌های مهم ادبی در کتاب سال سوم دبیرستان ۴۱
- بخش سوم: مفهومی‌های مهم ادبی در کتاب سال دوم دبیرستان ۶۵

فصل دوم: تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

- بخش اول: درآمدها ۹۳
- بخش دوم: نکته‌های پنهان تاریخ ادبیات ۱۱۰



پاسخ‌های تحلیلی تست‌ها

۷۱- گزینه‌ی ۳ در سه گزینه‌ی دیگر، شاعر خود را باعث رنج و ناخشنودی خود می‌داند، اما در گزینه‌ی سوم فقط از رنج و ستمی که بر او رفته‌است سخن می‌گوید.

۷۲- گزینه‌ی ۲ طراح محترم به دو مفهوم در بیت‌های صورت سؤال توجه کرده‌است:
 آ- پرهیز از تقلید و تبدیل شدن به دیگران، که این مفهوم از گزینه‌های ۱ و ۴ برمی‌آید.
 ب- برای به‌دست‌آوردن چیزی که نداریم نباید کاری کنیم که آن چه را هم که داریم از دست برود، که این مفهوم در گزینه‌ی ۳ دیده‌می‌شود.

۷۳- گزینه‌ی ۱ مفهوم محوری تست: جهان پر است از نشانه‌ها و آیات وجود خدا.
 مفهوم گزینه‌ی نخست: عشق آموختنی نیست و نمی‌توان به کمک عقل به مفهوم حقیقی عشق دست یافت.

۷۴- گزینه‌ی ۲ مفهوم محوری تست: ارزش دل شکسته
 معنای گزینه‌ی دوم: ای دل چرا غصه‌ی این را می‌خوری که سیل غم به سوی وجود من حمله‌ور شود؛ این وجود پرانده همان بهتر که ویران شود.
 («قلب» در گزینه‌ی نخست ایهام دارد: ۱- قلب ۲- سکه‌ی تقلبی و بی‌ارزش)

۷۵- گزینه‌ی ۳ وزیر می‌گوید با آن که به وزارت رسیده‌ام، هر روز گذشته‌ی خودم را به خودم یادآوری می‌کنم تا دچار غرور کاذب نشوم ← پرهیز از نودولتی و تازه‌به‌دوران‌رسیدگی
 مفهوم بیت دوم: دنیا بی‌وفاست باید به سوی خدا که اصل و آغاز ماست، بازگشت.
 مفهوم بیت چهارم: مقام و منصب، ارزش وجود کسی را بالا نمی‌برد.

درس‌های هجدهم تا بیست و دوم

□ کسی نمی‌تواند به خلوت خدا و بندگان خاصش راه پیدا کند.

- عربی که آهسته محمد را دنبال می‌کرد و می‌خواست از علّت آمد و شد او به کوه آگاه شود، یک مرتبه برخورد لرزید. راه سرآزیری را پیش گرفت و به عجله رفت.
- نفوذ معنوی این رفیق تنهایی (منظور پیامبر اسلام است) طوری بود که اجازه نمی‌داد کسی در محیط ملکوتی او وارد شود.
- مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز / دست غیب آمد و بر سینه‌ی نامحرم زد
- تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی / گوش نامحرم نباشد، جای پیغام سروش

□ مقام و منصب، ارزش وجود کسی را بالا نمی‌برد.

- پس از عزیمت رضاشاه که قبلاً رضاخان بود و بعداً هم رضاخان شد ...
- توضیح: نویسنده می‌گوید که «رضاخان» پیش از دست‌یافتن به سلطنت «خان» بود و پس از برکناری از پادشاهی، هم‌چنان مردم به او «خان» می‌گفتند، نه شاه؛ پس نشستن بر تخت پادشاهی ارزش او را در چشم مردم بالا نبرد.
- من از روییدن خار سر دیوار دانستم / که ناکس کس نمی‌گردد بدین بالانشینی‌ها
- مپندار گر سقله قارون شو / که طبع لئیمش دگرگون شود
- گر فریدون شود به نعمت و مُلک / بی‌هنر را به هیچ کس مشمار (هیچ هم به حساب نیاور)
- نه هر که طَرَف کُله کج نهاد و تند نشست / کلاه‌داری و آیین سروری داند (طَرَف: گوشه)



- دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست / جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است

□ ناپایداری و بی‌وفایی دنیا

- دل در این پیرزن عشوه‌گر دهر میند / کاین عروسی‌ست که در عقد بسی داماد است
- در طبع جهان اگر وفایی بودی / نوبت به تو خود نیامدی از دگران (بودی = می‌بود // نیامدی = نمی‌آمد)
- منه بر جهان دل که بیگانه‌ای‌ست / چو مطرب که هر روز در خانه‌ای‌ست
- آن که گویند که بر آب نهاده‌است جهان / مشنوی خواجه که تا درنگری بر باد است
- خیمه‌ی انس مزین بر در این کهنه رباط / که اساسش همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است



این مفهوم به مفهوم «خوشی‌های جهان با سختی همراه و ناپایدار هستند» نزدیک است.



مفهوم‌هایی را که به هم نزدیک‌اند، می‌توانید در صورت لزوم و با توجه به گزینه‌های تست، یکسان فرض کنید.

□ فریفته‌ی ظاهر و زیبایی‌های جهان نشدن

- گر پر از لاله‌ی سیراب بود دامن کوه / مرو از راه که آن خون دل فرهاد است
- فریب جهان را مخور زینهار / که در پای این گل بود خاها
- احمق کسی باشد که دل در این گیتی غذار بندد و نعمت و جاه و ولایتش به هیچ چیز شمرد.

□ رویدن گل از مزار عاشق^۱

- گر پر از لاله‌ی سیراب بود دامن کوه / مرو از راه که آن خون دل فرهاد است
 - فرهاد همچو لاله برآمد ز کوهسار / داغ غمت شهید تو را در کفن نماند
- معنای بیت: داغ غم عشقی که در وجود فرهاد بود، با درکفن کردن و به خاک سپردن او از میان نرفت و به شکل لاله‌ی داغدار از زمین سر بر کرد!
- به عشق روی تو روزی که از جهان بروم / ز تربتم بدمد سرخ گل به جای گیاه

□ مقام رضا

- عارفان چون عاشق خدایند، دنیا را به همین شکل که هست دوست می‌دارند، چون خواسته و سلیقه‌ی معشوق آن‌هاست!
- گر به اقلیم عشق روی آری / همه آفاق گلستان بینی
 - بر همه اهل این زمین به مراد / گردش دور آسمان بینی
 - آن‌چه بینی دلت همان خواهد / و آن‌چه خواهد دلت همان بینی
 - به عین عشق هر کاو دیده‌ور شد / همه عیب جهان پیشش هنر شد

□ والامقامی درویشان

- گرچه شاید عارفان بی‌قدر و اعتبار به‌نظر رسند، اما در عالم معنا، مقام و جایگاه والایی دارند.
- هم در آن پابره‌نه جمعی را / پای بر فرق فرقان بینی

۱- معمولاً این مفهوم پدیدآورنده‌ی «حسن تعلیل» است.



- بی‌سروپا گدای آن‌جا را / سر ز ملک جهان گران بینی
- مبین حقیر گدایان عشق را کاین قوم / شهان بی‌کمر و خسروان بی‌کله‌اند
- با من راه‌نشین خیز و سوی میکده آی / تا در آن حلقه ببینی که صاحب‌جاهم (صاحب‌جاه: دارای مقام)
- دولت فقر بین که چون از سر فقر و اختیار / گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو
- گر بر درت مجال گدایی بود مرا / حاشا که التفات به مُلک جهان کنم (حاشا: مبادا، هرگز)

□ دولت فقر

در نگاه عارفان، فقر اختیاری و ساده‌زیستی مایه‌ی بی‌نیازی‌ست؛ پس نوعی دولت و توانگری به حساب می‌آید.



این مفهوم و مفهوم قبلی بسیار بهم نزدیک‌اند و می‌توان آن‌ها را یکسان در نظر گرفت.

- بی‌سر و پا گدای آن‌جا را / سر ز ملک جهان گران بینی
- معنای بیت: گدایان عالم عشق، نسبت به پادشاهی جهان سرسنگین هستند و به آن اعتنایی ندارند.
- پادشاهی بر او بگذشت؛ درویش - از آن‌جا که فراغ ملک قناعت است - سر بر نیاورد و التفات نکرد.
- در این بازار اگر سودی‌ست با درویش خرسندست / خدایا مُنعِمِ گردان به درویشی و خرسندی (مُنعِم: صاحب ثروت و نعمت)
- مرا گر تو بگذاری ای نفس طامع / بسی پادشاهی کنم در گدایی

□ در هر ذره‌ای عظمتی نهفته است.

- دل هر ذره را که بشکافی / آفتابیش در میان بینی
- مهر رخسار تو را در پرده‌ی هر ذره دید / صاحب عرفان، که باشد در حقیقت حق‌شناس (مهر: خورشید)
- نیست در وحدت‌سرای آفرینش ذره‌ای / کز فروغ او ندارد آفتابی در میان

□ برای رسیدن به حقیقت باید از دنیا برید.

- از مضیق حیات درگذری / وسعت مُلک لامکان بینی
- دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی / یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی
- ذوق سماع مجلس اُنسَت به گوش دل / وقتی رسد که گوش طبیعت بی‌اگنی (بی‌اگنی، پرکُنی)
- معنای بیت: وقتی گوشِ سرت را کر کنی و به آن بی‌توجه شوی، صدای موسیقی مجلس پر غوغایِ انس با خدا را خواهی شنید.
- تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون / کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد
- معنای بیت: تو که از این عالم مادی قدمی بیرون نمی‌گذاری و به آن وابسته‌ای، نمی‌توانی به عالم حقیقت و معنا راه بیابی.

□ وحدت وجود

- جهان یک چیز است و آن خداست. چشم ظاهر بین ما، آن را پرتعداد و کثیر می‌بیند.
- تا به جایی رساندت که یکی / از جهان و جهانیان بینی
- که یکی هست و هیچ نیست جز او / وحدهُ لا اله الا هو
- چشم بگشا به گلستان و بین / جلوه‌ی آب صاف در گل و خار
- ز آب بیرنگ صد هزاران رنگ / لاله و گل نگر در آن گلزار



توضیح: اصل همه‌ی گل‌ها و خارها، یک چیز است: آب.

- موج و حباب و قطره و دریا به چشم ماست / عارف چو بنگرد بنماید به عین آب
- در وحدت اگر کثرت ما محو شود / دریا ماند، نه موج ماند نه حباب (پس موج و حباب، چیزی جز دریا نیست).

□ وجود خدا آشکار است.

- یار بی‌پرده از در و دیوار / در تجلی‌ست یا اولی‌البصار
- شمع‌جویی و آفتاب بلند / روز بس روشن و تو در شب تار (و = درحالی‌که)
- و در آن (شهر) پنجره‌ها رو به تجلی باز است.
- آفتاب آمد دلیل آفتاب / گر دلیلت باید از او رو متاب

□ تقابل عقل و عشق

- شود آسان ز عشق کاری چند / که بود نزد عقل بس دشوار
 - عقل گوید شش جهت حد است و بیرون راه نیست / عشق گوید راه هست و رفته‌ام من بارها
 - عقل تا جوید شتر از بهر حج / رفته‌باشد عشق تا کوه صفا!
 - پرستش به مستی‌ست در کیش مهر / برون‌اند زین جرگه هشیارها (عاقلان از عالم عارفان بی‌خبرند).
 - پیاپی بکش جام و سرگرم باش / بهل گر بگیرند بی‌کارها («بی‌کارها» استعاره از عاقلان است که اگر عاشق بودند و به عشق می‌پرداختند، دیگر وقت فکر کردن و فلسفه بافتن نداشتند!)
 - عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند
- توضیح: شاعر می‌گوید که اگر اهل هوش و خرد هستی، خود را درگیر عشق نکن که از آن رهایی نیست ← عشق به کارِ عاقلان و هوشمندان نمی‌آید.
- عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را

□ انسان اشرف مخلوقات است و از همه‌ی موجودات به خدا نزدیک‌تر است.

- بار یابی به محفلی کان جا / جبرئیل امین ندارد بار
 - خود ز فلک برتریم وز ملک افزون‌تریم / زین دو چرا نگذیریم، منزل ما کبریاست
 - چنان گرم در تیه قربت براند / که در سدره جبرئیل از او باز ماند (گرم: تند و سریع // تیه: بیابان)
- توضیح: البته این بیت مربوط به معراج پیامبر (ص) است که جبرئیل از او باز می‌ماند، اما می‌تواند نمادی باشد برای همه‌ی آدمیان.

□ ظاهر عبادت مهم نیست.

- هیچ آدابی و تربیتی مجو / هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو
- طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی / صدق پیش‌آر که اخلاص به پیشانی نیست
- گر حدیث کژ بود، معنیت راست / آن کژی لفظ مقبول خداست (معنیت راست: معنی و باطن حرفت درست باشد).
- ما زبان را ننگریم و قال را / ما درون را بنگریم و حال را



□ عشق در وجود فرشتگان نیست، فقط در وجود انسان و خدا یافت می‌شود.

- گوهری بود در خزانه‌ی غیب که آن‌را از نظر خازنان (فرشتگان) پنهان داشته‌بود. فرمود که آن‌را هیچ خزانه لایق نیست الا حضرت ما یا دل آدم.
- فرشته عشق نداند که چیست ای ساقی / بخواه جام و گلابی به خاک آدم ریز
معنای بیت: ای ساقی، فرشتگان از عشق بی‌بهره‌اند. پس یاد حضرت آدم را گرامی‌بدار که رسم عاشقی را بنا نهاد.
- وز فرشته نیز رشکم هیچ نیست / ز آن که آن جا عشق پیچاییچ نیست
معنای بیت: به فرشتگان نیز حسادت نمی‌کند؛ زیرا عالم فرشتگان خالی از عشق پُری‌گردار است.

تست‌های دوره‌ای

۷۶- مفهوم کدام بیت از سه بیت دیگر دور است؟

- (۱) خاک بغداد به مرگ خلفا می‌گرید / ورنه این شط روان چیست که در بغداد است
- (۲) بر آن چه می‌گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواد گذشت در بغداد
- (۳) بغداد حسن را که تو در وی خلیفه‌ای / جاری ست ز آب دیده‌ی ما بر کنار، شط
- (۴) جهان بر آب نهاده‌ست و زندگی بر باد / غلام همت آنم که دل بر او نهاد

۷۷- کدام بیت با سایر ابیات تناسب معنایی ندارد؟

- (۱) یار بی‌پرده از در و دیوار / در تجلی‌ست یا اولی‌الابصار
- (۲) جمال یار می‌خواهی به ذرات جهان بنگر / که هر ذره‌ست مرآت (آینه‌ای) که از دیوار می‌تابد
- (۳) از روی دوست تا (= مبادا) نکنی رو به آفتاب / کز آفتاب روی به دیوار می‌کنی
- (۴) چنان از روزن دل نور آن دل‌دار می‌تابد / که خورشید جمالش از در و دیوار می‌تابد

۷۸- مفهوم کدام بیت با سه بیت دیگر تفاوت دارد؟

- (۱) چتر همایون عشق سایه چو بر ما گرفت / رای هزیمت گرفت عقل تُنک‌رای ما
- (۲) دلم شهری به سامان بود و در وی عقل را شاهی / چو شاه عقل بیرون شد در او سلطان عشق آمد
- (۳) رئیس عقل را گفتم سر خود گیر ای مسکین / چو شاه عشق او بنهاد پای بر سریر دل (سریر: تخت پادشاهی)
- (۴) شهنسوار عرصه‌ی عشقیم گردون زیر ران / بسته‌ی این چار ارکان کی رسد در گرد ما

(سراسری، تهرانی ۱۸۹)

۷۹- همه‌ی ابیات به استثنای بیت با هم تناسب معنایی دارد.

- (۱) عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند
- (۲) بر هوشمند سلسله نهاد دست عشق / خواهی که زلف یار کشی ترک هوش کن
- (۳) پرستش به مستی است در کیش مهر / برون‌اند زین جرگه هشیارها
- (۴) عاشقان را چو طلب باشد و قوت نبود / گر تو بیداد کنی شرط مروت نبود

پاسخ‌های تحلیلی تست‌های دوره‌ای

۷۶- گزینه‌ی ۳ مفهوم مشترک سه گزینه‌ی دیگر: دنیا و قدرت دنیایی ناپایدار است.

معنای بیت سوم: تو پادشاه پایتختِ زیبایی هستی (زیباترین زیبارویانی) و رودخانه‌ی این پایتخت، اشک چشمان ما عاشقان است که بر کنار ما جاری‌ست! معنای مفهوم بیت نخست: مطمئناً خلیفه از پس خلیفه مرده‌است که از جمع‌شدن اشکِ بغداد در مرگ خلفا، چنین رود عظیمی جاری‌شده ← حتی اگر به مقام خلیفگی هم برسی، می‌میری و دیگری جای تو را می‌گیرد.

معنای مفهوم بیت دوم: به دنیای گذران دل نبند که حتی اگر خلیفه هم بشوی، پس از مرگ تو، دنیا به مسیر خود ادامه می‌دهد و آب از آب هم تکان نمی‌خورد. (گرچه در این بیت برای بغداد، مهم نیست که خلیفه بمیرد، اما مفهوم رایج و منظور واقعی بیت اول و دوم یکسان است.)



بخش اول

درآمدها

این بار کارمان را با تست آغاز می‌کنیم. چون تا شما عملاً نبینید که از برخی نکته‌های به‌ظاهر بی‌اهمیت چه تست‌هایی می‌شود طرح کرد، شاید انگیزه‌ی لازم را برای به‌خاطر سپردن آن‌ها نداشته‌باشید. اگر لازم می‌دانید، قبل از پاسخ‌گفتن به تست‌ها، درآمدهای کتاب سال چهارم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) را یک‌بار دیگر دوره کنید.

درآمد فصل دوم کتاب ادبیات سال چهارم

۱- در دو بیت زیر کدام ویژگی آثار حماسی برجسته‌تر است؟

«منی چون بیبوست با کردگار / شکست اندر آورد و برگشت کار»

«چه گفت آن سخن‌گوی با فرّ و هوش / چو خسرو شدی بندگی را بکوش»

(۱) قهرمانی (۲) مّلی (۳) داستان‌گویی (۴) خرق عادت

۲- از بیت «خروشید و برجست لرزان ز جای / بدرید و بسپرد محضر به پای» و بیت «چه گفت آن سخن‌گوی با فرّ و هوش / چو خسرو شدی بندگی را بکوش» به ترتیب کدام جنبه‌های حماسه قابل برداشت است؟

(۱) قهرمانی - قهرمانی (۲) قهرمانی - مّلی (۳) خرق عادت - مّلی (۴) مّلی - مّلی

۳- در کدام گزینه، زمینه‌ی خرق عادت آثار حماسی به چشم نمی‌خورد؟

(۱) یکی تازی‌ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ماه

(۲) چرا رزم جُستی ز اسفندیار / که او هست رویین تن و نامدار

(۳) دو مار سیه از دو کتفش برُست / غمی گشت و از هر سویی چاره جُست

(۴) یکی مجمر آورد و آتش فروخت / وز آن پرّ سیمرغ لختی بسوخت (فروخت = فروخت)

درآمد فصل سوم کتاب ادبیات سال چهارم

۴- تمام موارد زیر در مورد «شعر غنایی» درست است، به‌جز گزینه‌ی

(۱) در این نوع شعر شاعر خویشتن خویش را موضوع قرار می‌دهد.

(۲) در برخی از شعرهای غنایی، بُعد اجتماعی، بسیار برجسته و مورد توجه است.

(۳) برخی این نوع شعر را حاصل آرامش نسبی پس از جنگ‌ها می‌دانند.

(۴) در این نوع شعر، شاعر در سرگذشت و شرح کسانی که توصیف می‌کند، هرگز دخالتی نمی‌ورزد.

۵- کدام گزینه را نمی‌توان نمونه‌ای از ادبیات غنایی به‌شمار آورد؟

(۱) سفرنامه‌ی ناصر خسرو (۲) آن روزهای طه‌حسین (۳) بوف کور صادق هدایت (۴) غرب‌زدگی جلال‌آل احمد



۶- همهی بیت‌های زیر را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از مرثیه در غزل حافظ پذیرفت به‌جز

- (۱) آه و فریاد که از چشم حسودِ مه چرخ / در لحد ماه کمان‌ابروی من منزل کرد
- (۲) از آن دمی که ز چشمم برفت رود عزیز / کنار دامن من همچو رود جیحون است
- (۳) دیدی ای دل که غم عشق دگر بار چه کرد؟ / چون بشد دلبر و با یار وفادار چه کرد؟
- (۴) قره‌العین من آن میوه‌ی دل یادش باد / که چه آسان بشد و کار مرا مشکل کرد

۷- در کدام اثر جنبه‌ی اجتماعی شعرهای غنایی به چشم نمی‌خورد؟

- (۱) مناجات سنایی
- (۲) حبسیه‌ی مسعود سعد
- (۳) مرثیه‌ی حافظ
- (۴) مرثیه‌ی بهار

۸- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) آغاز سرودن منظومه‌های عاشقانه را باید قرن چهارم هجری دانست.
- (۲) از اواخر قرن پنجم، غزل به‌عنوان یک قالب شعری جدید مورد توجه شاعران قرار می‌گیرد.
- (۳) منظومه‌های بلند انسانی و عرفانی از قرن ششم پدید می‌آیند.
- (۴) منظومه‌های عاشقانه در قرن ششم به کمال خود می‌رسند.

۹- کدام گزینه را به شعر نمایشی اروپا نمی‌توان نزدیک دانست؟

- (۱) سلامان و آبسال
- (۲) وامق و عذرا
- (۳) بهرام‌نامه
- (۴) اسکندرنامه

۱۰- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) ترجمه‌های موفق را نمی‌توان در دسته‌ی ادبیات غنایی جای داد.
- (۲) اغلب نمونه‌های شعر معاصر را باید شعر غنایی به‌شمار آورد.
- (۳) برخی از سروده‌های سیاوش کسرایی را می‌توان مصداق کامل شعرهای حماسی به‌شمار آورد.
- (۴) اغلب سروده‌های پروین اعتصامی را باید در دسته‌ی اشعار تعلیمی جای داد.

۱۱- کدام مورد در سروده‌های ملک‌الشعراى بهار دیده نمی‌شود؟

- (۱) حبسیه
- (۲) مرثیه
- (۳) وصف طبیعت
- (۴) ساقی‌نامه

درآمد فصل چهارم کتاب ادبیات سال چهارم

۱۲- در کدام دوره از تاریخ ادبیات فارسی، حسب حال نویسی رواج پیدا کرده‌است؟

- (۱) پیش از اسلام
- (۲) قرن چهارم و پنجم
- (۳) در نیم‌قرن اخیر
- (۴) در قرن اخیر

۱۳- برای دستیابی به احوال، آثار و اندیشه‌های شخصیت‌های علمی، دینی و ادبی قرون گذشته، بیش‌تر چه منابعی در دسترس ما است؟

- (۱) شرح احوال‌ها
- (۲) حسب‌حال‌ها
- (۳) حکایت‌ها
- (۴) سفرنامه‌ها

۱۴- معمولاً کتاب‌های «تذکره» به شرح زندگی چه کسانی اختصاص دارند؟

- (۱) پیامبران و امامان
- (۲) امامان و بزرگان دین
- (۳) بزرگان دین و عارفان
- (۴) عارفان و شاعران

۱۵- در کدام گزینه، فقط حسب حال آمده‌است؟

- (۱) المُنقذ من الضلال، آن روزها، روزها
- (۲) بدایع‌الوقایع، الاتیام، غزالی‌نامه
- (۳) غزالی‌نامه، حیات یحیی، دانشگاه‌های من
- (۴) خسی در میقات، از پاریز تا پاریس، شرح زندگانی من

۱۶- نگارنده‌ی کدام اثر درست مشخص شده‌است؟

- (۱) شرح احوال و آثار رودکی: دکتر زریاب خویی
- (۲) قصص‌الانبیاء: دولت‌شاه سمرقندی
- (۳) آن روزها: دکتر اسلامی ندوشن
- (۴) زندگانی علی‌بن‌الحسین: دکتر جعفر شهیدی



بخش دوم

نکته‌های پنهان تاریخ ادبیات

کمک من به شما که برای به‌خاطر سپردن تاریخ ادبیات مقدمه‌ی درس‌ها و فرهنگ اعلام پایان کتاب‌های ادبیات، وقت کافی صرف کرده‌اید، آن است که نکته‌هایی را مشخص کنم که شاید از چشمتان دور مانده باشد یا به اهمیت آن‌ها آگاه نباشید تا سر جلسه‌ی کنکور با دیدن آن‌ها غافل گیر نشوید. آماده‌اید؟

نکته‌های پنهان تاریخ ادبیات کتاب سال چهارم

۱- مثنوی معنوی به‌ظاهر با مناجات و تحمیدیه آغاز نمی‌شود و از این نظر با دیگر آثار نظم و نثر فارسی تفاوت دارد؛ اما روح نیایش در تار و پود هجده بیت آغاز مثنوی (نی‌نامه) نهفته است.

۲- دیوان سنایی غزنوی را دکتر **مظاهر مصفا** تصحیح کرده‌است.

به‌طور خلاصه، تصحیح یک اثر ادبی قدیمی، یعنی مقایسه‌ی نسخه‌های خطی برجامانده از آن اثر با یکدیگر و مبنا قرار دادن معتبرترین آن‌ها به‌عنوان نسخه‌ی اصلی و برطرف کردن افتادگی‌ها و اشتباهات احتمالی ناشی از خطاهای کاتب آن اثر به کمک نسخه‌های دیگر بر پایه‌ی دیدگاه و تشخیص کارشناسانه‌ی تصحیح‌کننده‌ی اثر.



۳- نقد داستان **کاوه‌ی دادخواه** مربوط به کتاب **چشمه‌ی روشن** اثر دکتر غلامحسین یوسفی است.

۴- جَلّایی هُجویری غزنوی، کشف‌المحجوب را در **تصوّف** (عرفان) با نثری **روان** و به شیوه‌ی نثرهای دوره‌ی **سامانی** نوشته‌است. (این کتاب ادبیات عرفانی-تعلیمی به‌شمار می‌آید.)

۵- «**امیر خسرو دهلوی**» از مقلدان خسرو و شیرین نظامی بوده‌است، او را با «**بیدل دهلوی**» اشتباه نگیرید. امیر خسرو دهلوی، بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هندوستان به‌شمار می‌آید.



۶- کتاب «**الحیاء**» از **محمد رضا حکیمی** است.

۷- قطعه‌ی «**قلب مادر**» ایرج میرزا ترجمه‌ی یک قطعه‌ی **آلمانی** است.

۸- **ملک‌الشعرا**ی بهار علاوه بر شاعری، **محقق**، **روزنامه‌نگار**، **استاد دانشگاه** و **مرد سیاست** نیز بود. دماوندیه اول در سال ۱۳۰۰ (همان سال انتشار «یکی بود یکی نبود» جمال‌زاده) سروده‌شد و دماوندیه‌ی دوم در سال ۱۳۰۱ (سال انتشار «افسانه»ی نیما یوشیج).

۹- «**آواز پر جبرئیل**» نام کتابی‌ست از **شهاب‌الدین سهروردی**. کتاب «**عقل سرخ**» نیز از اوست.

۱۰- «**کویر**» مجموعه مقاله‌هایی از **دکتر شریعتی** است و «**حماسه‌ی کویر**» از **دکتر باستانی پاریزی**.



۱۱- «**اسرار التوحید**» کتابی‌ست در سه **باب**، نوشته‌ی **محمد بن منور** نواده‌ی **ابوسعید**، در شرح زندگانی و افکار **ابوسعید ابوالخیر** که در قرن ششم نگاشته شده‌است. این کتاب را دکتر **شفیعی کدکنی** تصحیح کرده‌است.



۱۲- دکتر زرین کوب ترجمه هم داشته‌است؛ مثلاً ترجمه‌ی دو کتاب «نامه‌های آسیاب من» و «قصه‌های دوشنبه» از نویسنده‌ی فرانسوی آلفونس دوده.

۱۳- «گوته» نامدارترین شاعر آلمانی در قرن ۱۸ و ۱۹ بوده‌است.



کتاب‌های «تغییر حال گیاهان» و «تئوری رنگ‌ها» از سروده‌ها و آثار ادبی او نیست بلکه از نوشته‌های علمی اوست.

او در آثارش به‌ویژه دیوان شرقی- غربی، بسیار تحت تأثیر حافظ بوده‌است.

۱۴- مجموعه‌ی «زمستان» با ویژگی‌های حماسی و اجتماعی در دوره‌ی سوم شعر نیمایی (۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲) منتشر شده‌است.



چون یأس و ناامیدی در اغلب سروده‌های اخوان ثالث دیده‌می‌شود، خودش زودتر از همه به نقد خود پرداخته و تخلص طنزآمیز «م. امید»

را برای خود برگزیده‌است!



قسمت اول شعر «صدای پای آب» آمیخته‌ی از حس و عاطفه و آرمان شاعر است و قسمت دوم آن بیش‌تر جنبه‌ی نمادین و فلسفی دارد و

نشانه‌ی شناخت عمیق سپهری از عرفان غیراسلامی و غیر ایرانی (هندی و بودایی) است.

۱۵- داستان زیبای قصه‌ی عینکم برگرفته از کتاب شلوارهای وصله‌دار، نوشته‌ی رسول پرویزی است.

نگته‌های پنهان تاریخ ادبیات و اعلام کتاب سال سوم

۱- سعدی در بوستان از آرزوها و آرمان‌های خود (آرمان‌شهر، اتوپیا یا مدینه‌ی فاضله‌ی خود) سخن گفته‌است و در گلستان از تجربه‌های حاصل از سفرهای خود.

حدود چهارصد جمله و بیت گلستان به شکل ضرب‌المثل به فرهنگ ایرانی راه‌یافته‌است.

دیباچه‌ی (مقدمه‌ی) گلستان نمونه‌ای از تحمیدیه و مناجات است.

۲- جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی به ترکیب‌بندش در نعت پیامبر اسلام معروف است. هاتف اصفهانی (شاعر دوران افشاریان و زندیان) به ترجیح‌بند عرفانی

خود معروف است. کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی نویسنده‌ی تحفة‌الخوان است.

۳- درون‌مایه‌ی داستان رستم و اسفندیار، برخورد آزادی با اسارت، پیری با جوانی و کهنه با نو است. اسفندیار که به جوانی و آیین‌نوی خود (زرتشتی‌گری)

می‌نازد می‌خواهد آزادی رستم را- که از دید او پیر و کهنه‌گرا است (زیرا احتمالاً رستم بر کیش مهر بوده‌است)- با بستن دستش سلب کند و رستم به هر

کاری تن می‌دهد به‌جز ازدست‌دادن آزادی:

نبیند مرا زنده با بند کس / که روشن، روانم بر این است و بس



داستانی برای به‌قاطر سپردن فیلم‌نامه‌های علی ماتمی؛ علی حاتمی داشت با مادر می‌رقصید و سلطان صاحب‌قران می‌گفت: «دست دست!» تا

کمال‌الملک هم دل به دریا زد و با جهان پهلوان تختی رفت وسط! (مادر، سلطان صاحب‌قران، هزار دستان، کمال‌الملک، دل‌شدگان، جهان پهلوان تختی)

۴- غلامحسین سعدی در تبریز متولد شد، در رشته‌ی روان‌پزشکی تحصیل کرد و در فرانسه درگذشت. او علاوه‌بر رمان و داستان کوتاه، نمایش‌نامه،

فیلم‌نامه و پانتومیم (نمایش صامت) نیز خلق کرده‌است. داستان معروف «گاو» از کتاب «عزاداران بیل» است که بعدها خود او آن‌را به شکل «فیلم‌نامه»

بازنویسی کرد و «داریوش مهرجویی» آن‌را کارگردانی نمود.

۵- جلال آل احمد در اورازان طالقان به دنیا آمد و در اسلام گیلان درگذشت. در میان حدوداً چهل و پنج اثر برجامانده از او، علاوه‌بر داستان‌ها و نوشته‌های

ادبی، نوشته‌های اجتماعی، سیاسی و ترجمه نیز وجود دارد.

ترجمه: ۱- ترجمه‌ی قمارباز اثر داستایوفسکی نویسنده‌ی نامدار روسی ۲- ترجمه‌ی مائده‌های زمینی اثر آندره ژید نویسنده‌ی پراوازه‌ی فرانسوی (در این

ترجمه پرویز داریوش با جلال آل احمد هم‌کاری داشت).

مقاله‌ی اجتماعی - سیاسی: غرب‌زدگی

سفرنامه: خسی در میقات: («میقات» محل احرام بستن حاجیان است و این کتاب شرح سفر حج است از نگاه آل احمد).

۶- نام دیگر تاریخ بیهقی، تاریخ مسعودی است زیرا عمده‌ی مطالب این کتاب به وقایع پادشاهی مسعود غزنوی (پسر محمود غزنوی) اختصاص دارد.